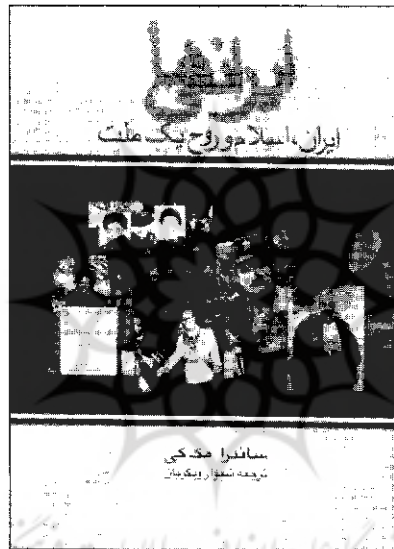


بازی هویت و آرزوی عدالت



○ ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت
○ ساندرامکی
○ ترجمه شیوا رویگریان
○ نشر ققنوس
○ تهران ۱۳۸۰، ۴۳۶ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه

○ محمد فاضلی
○ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه
○ تربیت مدرس

راه طوفان این عوامل. شدت این طوفان به حدی است که نظام اجتماعی توان لازم برای در پیش گرفتن شیوه‌ی سعی و خطا و تصحیح عملکرد خود را ندارد. نظام اجتماعی همچنین نمی‌تواند توانایی پردازش اطلاعات در درون خود را اندک اندک افزایش دهد.

۳ - دو نیروی اجتماعی به صورت واکنشی به ورودی‌های نظام اجتماعی پاسخ گفته‌اند و همواره فرصت برای نگرش انتقادی به خود و دیگری را با نفی دیگری زایل کرده‌اند. در ضمن، تعارض بنیادین پیش‌فرض‌های هر دو در طول یکصد سال اخیر تداوم داشته است و بدون آن که چارچوبی برای تدوین اهداف و کنش استراتژیک شکل بگیرد، هر دو فقط به نفی دیگری پرداخته است. در این میان، هرگاه نظام اجتماعی به صورت کلی موفقیتی - انقلاب مشروطه، ملی شدن نفت و انقلاب اسلامی - داشته است، باید آن را مرهون کنار هم قرار گرفتن

کتاب آبراهامیان را به یاد آوردم. در بازخوانی و نگارش مجدد اندیشه آبراهامیان، همه‌ی حرف‌ها در چهار محور خلاصه شده بود:

۱ - ایران در زمان مشروطه شاهد برآمدن دو نیروی اجتماعی در قالب «طبقه متوسط سنتی» و «روشنفکران» است. وجه مشترک هر دو این است که در واکنش به تحولاتی در خارج از ایران و یورش محصولاتی از غرب پدید آمده‌اند. اولی زائیده واکنش سردمداران اقتصادی کشور به هجوم اقتصادی غرب است و دیگری مولود تعامل تقریباً یک سویه‌ی اندیشه‌ی غربی با ذهن نخبگان ایرانی.

۲ - هر دو نیروی پدیدار شده در نظام اجتماعی ایران در شبکه‌ای از تغییرات اجتماعی شدید قرار می‌گیرند. تغییراتی نظیر نفوذ خارجی، افزایش جمعیت، ورود تکنولوژی، متعدد شدن سطوح روابط اجتماعی، شبکه‌ی اقتصاد جهانی و خیلی عوامل دیگر و همه‌ی پیامدهای ناشی از قرار گرفتن بر سر

۱- مقدمه

زیاد برایم اهمیت ندارد که بدانم چرا غربی‌ها و خیلی از خودی‌هایی که پا از مرزهای ایران بیرون گذارده‌اند این قدر به کاوش در احوال ما ایرانیان علاقه نشان می‌دهند. دلایل مادی و معنوی بسیاری ردیف کرده‌اند که همیشه ترجیح می‌دهم از خیر کاویدنشان بگذرم. بیشتر دوست دارم بدانم از نگاه بیرونی‌ها ما جماعت ایرانی چگونه به نظر می‌رسیم. خوشبختانه در این چند سال اخیر چندین و چند از این‌گونه آثار منتشر شده است و باز بخت یاری کرده و فرصت مهیا شده است تا برخی را به دقت بخوانم. قریب سه سال پیش برداشت خودم از کتاب ایران بین دو انقلاب اثر «یرواند آبراهامیان» را در کوتاه‌نوشته‌ای با عنوان «هنوز اندر خم یک کوه‌ایم» در یکی از نشریات منتشر کردم (فاضلی، ۱۳۷۸). وقتی با کتاب ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت مواجه شدم، بیش از هر چیز قرائت خودم از



موقتی هر دو گروه دانسته هم‌چنان که شکست‌ها را نیز می‌توان به پای اضمحلال این ائتلاف‌های شکننده گذارد.

۴ - تحت تاثیر تعارض بنیادین این دو گروه، نظام اجتماعی ایران هیچ‌گاه تعادل نداشته است. همواره ما در دو سوی تعادل، یا در ویرانه‌ی هرج و مرج یا در زندان استبداد به سر برده‌ایم. نظام اجتماعی ایران همواره همچون پاندولی از هرج و مرج پس از مشروطه به استبداد رضاخانی، یا از استبداد رضاخانی به هرج و مرج سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۴ در غلطیده است.

از زمان نگارش آن مقاله تا اکنون گاه به گاه از خودم پرسیده‌ام که این پاندول اکنون در کجا موضع گرفته است و رو به کدام قطب دارد. اما سؤال بنیادی‌تر این است که این پاندول چرا از حرکت باز نمی‌ایستد و ما در نقطه‌ای تعادل پیدا نمی‌کنیم. در آن زمان از تعارض بنیادین پیش‌فرض‌های دو نیروی اجتماعی مذکور به عنوان عامل اساسی یاد شد. و آن را بیشتر فرضیه‌ای می‌دانستم تا تبیینی برای روند تحولات اجتماعی در ایران. اکنون هم نگاهی به همان شیوه‌ی پیشین به کتاب خانم «ساندرا مک‌کی» فرصتی است برای تشریح فرضیه‌ای دیگر در خصوص حرکت پاندولی نظام اجتماعی ما. شاید این امر نه محصول نگاه من بلکه برآمده از ماهیت مردم‌نگاری باشد. این شیوه‌ی پژوهش اگرچه می‌تواند در خدمت بررسی نظریه یا فرضیه‌آزمایی قرار گیرد، اما چنان که بسیاری اشاره کرده‌اند، بیشتر سبب طرح شدن سوالات و فرضیات جدید می‌شود.

(Hammersley & Atkinson, 1997)

۲- معرفی کتاب

نثری غنی و زیبا که پیش از هر چیز احتمالا مردم‌شناس بودن و چیره‌دستی نویسنده را در مردم‌نگاری گوشزد می‌کند، در خدمت نویسنده‌ای قرار گرفته است که قصد دارد «روح یک ملت» را آشکار کند. در میان متون ایران‌شناسی موجود که بدان‌ها سرک کشیده‌ام فقط نثر فخریم مایکل فیشر (۱۹۹۰: Fischer) را برتر از نگارش مک‌کی یافته‌ام. این نکته را باید خاطر نشان کرد چرا که خواننده‌ی کتاب خیلی زود در معرض تاثیرات نثر نویسنده قرار می‌گیرد و شاید که در برابر آنچه می‌خواند - به دلیل همین تاثیرات - موضع انفعالی و غیرانتقادی اتخاذ کند. خانم مک‌کی آن‌چنان که از اشاراتش برمی‌آید قریب پنج سال را به تلاوت در ایران به سر برده و

ظاهراً دو نیروی اصلی صحنه‌ی اجتماعی ایران که در قالب نخبگان طبقه‌ی متوسط سنتی و نخبگان روشنفکری تجلی عینی دارند، کماکان بر سر کوچک‌ترین پیش‌فرض‌ها و اهدافی که برای زندگی اجتماعی در نظر دارند، منازعه می‌کنند



سیاسی در ایران است.

بخش سوم کتاب در پنج فصل به بررسی تحولات اجتماعی ایران در فاصله‌ی زمانی بین انقلاب مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. برهه‌های زمانی اساسی در این فاصله که در نظر مک‌کی مهم جلوه کرده‌اند، عبارت‌اند از انقلاب مشروطه، به قدرت رسیدن رضاخان، مواجهه محمدرضا شاه و محمدمصطفی در جریان ملی شدن صنعت نفت، و مبارزه امام خمینی (ره) با سلطنت پهلوی. فصل نهم کتاب که آخرین فصل از بخش سوم است، به بررسی سیاست داخلی و خارجی محمدرضا شاه اختصاص یافته است.

بخش چهارم کتاب نیز در چهار فصل به بررسی دوره‌ی زمانی مابین ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ می‌پردازد. پیروزی انقلاب، جنگ عراق علیه ایران، تحولات سیاسی داخلی ایران و تحول دیدگاه‌های جناح‌های سیاسی داخل ایران، دوران سازندگی پس از جنگ به قدرت رسیدن محمد خاتمی و تشریح مشاهدات مک‌کی در زمینه‌ی زندگی روزمره‌ی ایرانیان در دهه‌ی ۱۹۹۰ که وی غالباً شاهد آن بوده است، عمده محتوای بخش چهارم را

حاصل مشاهدات خود و مطالعاتش در متون تاریخی و ایران‌شناسی را در چهار بخش که شامل سیزده فصل می‌شود گرد آورده است. دوره‌ی اقامت وی در ایران از سال ۱۹۹۲ آغاز می‌شود و واپسین فصول کتاب نشان می‌دهند که حداقل تا اولین دوره‌ی انتخاباتی که محمد خاتمی را بر کرسی ریاست جمهوری نشانند در ایران حضور داشته است.

گستره‌ی نگاه کتاب از طلایه‌ی تاریخ ایران در زمان هخامنشیان آغاز می‌شود و به اولین روزهای ریاست جمهوری محمد خاتمی منتهی می‌شود. توصیف تاریخ حکومت هخامنشیان، تحول نظام اجتماعی ایرانی از دوره هخامنشی تا ظهور اسلام و بعد تا قرن دهم میلادی - زمانه‌ی فردوسی - و سپس تشریح تحولات اجتماعی در ایران از قرن یازدهم میلادی تا ظهور صفویان، بخش اول کتاب را در سه فصل به خود اختصاص داده است.

بخش دوم که یک فصل دارد و از صفویان تا قاجارها را پوشش می‌دهد، بیشتر مشحون از تلاش نویسنده برای به تصویر کشیدن مبانی و منابع اقتدار



خانم مک کی آن چنان که از اشاراتش برمی آید قریب پنج سال را به تناوب در ایران به سر برده و حاصل مشاهدات خود و مطالعاتش در متون تاریخی و ایرانشناسی را در چهار بخش که شامل سیزده فصل می شود گرد آورده است



گستره‌ی نگاه کتاب از طلیعه‌ی تاریخ ایران در زمان هخامنشیان آغاز می شود و به اولین روزهای ریاست جمهوری محمد خاتمی منتهی می شود

جوهره‌ی دین زرتشتی، بر اخلاق، مدارا و عدالت تاکید می‌کند. (ص ۲۸) خدای زرتشت را نیز با چنین خصیصه‌ای تعریف می‌کند و جایگاه رفیع اندیشه‌ی عدالت را در دین زرتشتی نشانه می‌رود. «در اساس، زرتشت خدای یگانه را به جای خدایان متعدد می‌نشاند، خدایی عادل و کریم نه خدایی انتقامجو؛ وی اصل اخلاقی برای زیستن، داورِ نهایی و جلودانگی آموزش می‌دهد. در این آموزه، مفهوم عدالت اجتماعی جایگاهی رفیع دارد و این اعتقاد تبلیغ می‌شود که مقصود انسان از شرکت در جنگ خیر علیه شر بهبود اجتماع است.» (ص ۲۴) و همچنین «شاه تنها با برقراری جامعه‌ای سرشار از عدالت می‌توانست فره یا نشانه لطف الهی را حفظ کند» (ص ۳۰). از نظر نویسنده‌ی کتاب، ویژگی اساسی مفهوم عدالت در فرهنگ سیاسی ایران نیز آن است که عدالت بیش از آن که تضمین آزادی قانونمند فرد باشد، به معنی حفظ تعادل و نظم در اجتماعی است که بر نیکی بنیان یافته است.

مک‌کی اندیشه‌ی عدالت را در مرکز گفتمان مذهبی شیعه قرار می‌دهد و پذیرش این مذهب از سوی ایرانیان را نیز با همین ویژگی تبیین می‌کند. در نظر وی بروز اسلام چنان است که «مذهب مرکز وجود باقی ماند؛ الله جانشین اهورامزدا شد و [حضرت محمد] [ص] جانشین زرتشت تا در دنیایی آکنده از ظلم و بی‌عدالتی و شر، نبرد کیهانی را برای رسیدن به خوبی و مهربانی هدایت کند» (ص ۵۶). و همچنین «... وعده رستگاری و بهشت برای مؤمنان نیز در کار بود. ولی موضوع مهم‌تر از این است. اسلام در روایت شیعه، با مردم تحت ستم سخن می‌گوید و به رهبران

تشکیل می‌دهد. در بخش چهارم، تلاش وی برای تحلیل اوضاع ایران از منظر رابطه‌ی ایران و آمریکا و گمانه‌زنی درباره‌ی آینده این رابطه، برای خواننده ایرانی‌ای که آن‌چه را مک‌کی می‌نویسد زندگی کرده است، جالب‌تر جلوه می‌کند.

۳- بن‌مایه‌ی توصیف‌ها

از منظری که من به این کتاب می‌نگرم، اصلی‌ترین سؤال این است که رشته‌ی پیوند همه‌ی توصیفات غنی و تاریخ‌نگاری‌های مک‌کی چیست؟ این همه توصیفات بیانگر چه چیزی است؟ آیا مفاهیم محوری‌ای وجود دارند که در سایه‌ی آنها بتوان ایران و ایرانی‌ها را که «... از لحاظ ارزش‌های محوری، گرایش‌های سیاسی و دریافت خود در پیوستاری زندگی می‌کنند که از کوروش کبیر تا آیت‌الله [امام] خمینی (ره) تداوم دارد» (مک‌کی، ص ۲۲) درک کرد؟ بی‌گمان پرسش مک‌کی نیز همین است. آن‌گاه که می‌نویسد «پاسپورتم را جلوی مأمور یونیفرم‌پوش گمرک گذاشتم که مهری به آن کوبید. در ایران گشوده شد. در درون، جواب این پرسش که غرب را بیش از یک دهه و نیم به تعجیر واداشته است به یقین یافت می‌شود - ایرانیان کی هستند؟» (ص ۱۷).

۳-۱- روح ایرانی

سیر پیشرفت فصول کتاب توام با بالا رفتن تعداد دفعاتی است که کلمه‌ی عدالت به چشم می‌خورد، به نحوی که خواننده درمی‌یابد که نویسنده آگاهانه این همه بر این مفهوم تاکید کرده است. وی در تشریح



از نظر نویسنده‌ی کتاب،

ویژگی اساسی مفهوم عدالت در فرهنگ سیاسی ایران نیز آن است که عدالت پیش از آن که تضمین آزادی قانونمند فرد باشد، به معنی حفظ تعادل و نظم در اجتماعی است که بر نیکی بنیان یافته است



مک کی اندیشه‌ی عدالت را در مرکز گفت‌وگو مذهب‌ی شیعه قرار می‌دهد و پذیرش این مذهب از سوی ایرانیان را نیز با همین ویژگی تبیین می‌کند

وجود سه نوع هویت را در ایران مفروض می‌گیرد که دو تای اول ریشه‌های بسیار عمیق‌تری دارند: هویت ایرانی، هویت اسلامی و هویت غربی. این آخری محصول رویارویی «... دو فرهنگ مختلف یکی با تکنولوژی و قدرت عظیم و دیگری آکنده از معنویت و رنج ناتوانی...» (ص ۱۴۱) است.

در کنار مفاهیم عدالت، مدارا و تساهل، توصیف مک کی از تاریخ ایران مملو از اشاره به بازی هویت است. محمدرضا شاه کوروش را به آرامش می‌طلبید و خاطره‌ی تخت جمشید را زنده می‌کرد. تئودورهای انقلابی هم دوست داشتند خاطره‌ی ایران باستان را بزبانند.

۳-۳. یویایی‌شناسی تاریخ

مارکس می‌گفت که تضاد طبقاتی موتور تاریخ است. ظاهر ماتریالیسم بی‌روح بر تاریخ حاکم است. اما گویا ایرانیان را موتور دیگری به حرکت وا می‌دارد. قرائت من از کتاب مک کی این است که جوهره‌ی یویایی تاریخ در ایران، در یک مصرع از فردوسی معرفی شده است: «چو ایران میباشد، تن من مباد». اما ایرانیان چه هنگام احساس می‌کنند که ایران در معرض نبودن قرار گرفته است؟

پاسخ نویسنده به سؤال فوق بسیار روشن و آشکار است: «هیچ شناختی بدون نظر کردن هم به وجه ایرانی و هم به وجه اسلامی ایران به سرانجام نمی‌رسد؛ هیچ نیرویی نمی‌تواند یکی از این دو وجه را از ایرانی‌ها بازستاند و حکومتی در این سرزمین کامرواست که هر دو وجه ایرانیست و اسلامیست را همواره در برابر دیدگان خود قرار دهد»

مذهبی قدرتی عطا می‌کند تا حکومتی عادل ایجاد کنند» (ص ۱۰۹). وی یکی از دو خصوصیت اصلی تشیع را نیز مساوات‌طلبی می‌داند و با توجه به وجود فرهنگ شهادت در میان ایرانیان می‌نویسد «ایرانیان درون فرهنگی که شهادت در آن حک شده است و بی‌اعتمادی به قدرت دنیوی به آن جلوه داده است، به دنبال هدایت معنوی و وعده عدالت چشم به رهبران مذهبی داشته‌اند» (ص ۱۱۳).

اما روح ایرانی در نظر مک کی مشخصات دیگری نیز دارد. وی مدارا و تساهل را نیز از جمله مشخصات این روح می‌انگارد. چرا که «... ایرانی‌ها برخلاف آشوری‌ها و دیگر قدرت‌های سلطه‌طلب تشخیص داده بودند که مصلحت ملی نباید تنها از طریق کینه‌ورزی دنبال شود، و این که با احترام به مصالح کمتر ملی، مصلحت ملی آسیب نمی‌بیند و این که مدارا مآجور می‌ماند. جوهر این مدارا فهم و قبول فرهنگ‌های مختلف بود که خود از جهت‌گیری ایدئولوژیک ایرانی‌ها سرچشمه می‌گرفت» (ص ۲۹).

۳-۲. بازی هویت

از تعریف هویت که بگذریم - که خود به اندازه کافی مناقشه‌بردار است - بازی هویت‌ها خود مسأله مناقشه‌انگیز دیگری است که در بسیاری از متون ایران‌شناسی از آن سخن گفته‌اند. اولین پارادوکس هویت در ایران این است که چگونه بر فراز تکثر بی‌انتهای زبان‌ها و لهجه‌ها، قومیت‌ها و مذاهب؛ و نژادها، حس نیرومند ایرانی بودن بروز کرده است. اما نویسنده‌ی کتاب دلمشغول این مسأله نیست. وی

به قول مکی
 نوروز دست کم ۲۵ قرن
 تاجت و ناز و سلطه خارجی را
 از سر گذرانده است،
 اما هنوز زنده است،
 و واقعه‌ی عاشورا
 و خاطره‌ی شهادت
 تک‌تک امامان شیعه
 از پس ۱۴۰۰ سال تاریخ
 هنوز اشک
 بر چهره ایرانیان می‌نشانند
 و از این دست
 در اردوگاه هر دو نوع هویت ایرانی
 بسیار است



که از تقسیمات درونی و اختلاف برداشته‌ها از این مفهوم بگذریم. روشنفکری دینی به معنای سوبه‌ای از اندیشه‌ورزی که مدعی برخورد انتقادی - به معنای ارزیابی پیش فرض‌ها، در نظر گرفتن زمان و مکان در تعیین جهت اندیشه یا در نظر گرفتن هم زمان متن و زمینه، پذیرش حقیقت‌های نامکشوفه و همه جانبه‌نگری در ارزیابی هویت‌های سه‌گانه - با شناخت‌های ما از همه میراث تاریخی‌مان است، شاید به لحاظ متأثر بودن از هر سه جریان هویت، بیشترین قابلیت را برای طرح و بررسی اندیشه‌ها، فارغ از تنش‌های بی‌انتهای داشته باشد. اما این جریان نیز در درون زمینه‌ای قرار گرفته که اصلی‌ترین متغیر آن اقتصاد سیاسی است. در درون زمینه‌ای که به جرات می‌توان گفت بحث درباره‌ی هر مقوله‌ای در اندیشه‌ی سیاسی - اجتماعی، در درجه‌ی اول بحث درباره‌ی شیوه توزیع درآمدهای نفتی است. بر همین اساس می‌توان دید که وقتی رئیس جمهوری که بیش از هر جریانی در ایران، متعلق به جریان روشنفکری دینی است به حکومت می‌رسد، اقتصاد سیاسی نفت مانع از آن می‌شود که تضاد آراء را به

جوهره‌ی پویایی تاریخ ایران - بازی هویت و آرزوی عدالت - که برگرفته از بازتفسیر تفسیرهای ساندرا مکی‌کی است در کنار هم بگذاریم تا شاید تصویر کامل‌تری از سازمان اجتماعی امروز و آینده ما به دست آید.

ظاهراً دو نیروی اصلی صحنه‌ی اجتماعی ایران که در قالب نخبگان طبقه‌ی متوسط سنتی و نخبگان روشنفکری تجلی عینی دارند، کماکان بر سر کوچک‌ترین پیش فرض‌ها و اهدافی که برای زندگی اجتماعی در نظر دارند، منازعه می‌کنند. بارزترین بروز این منازعه، تنش‌های اجتماعی و سیاسی‌ای است که پس از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری در کشور بروز کرد. این منازعه علاوه بر آن که از پشتوانه اندیشه‌های متنازع برخوردار است، رقابت بر سر بزرگ‌ترین منبع اقتصادی ایران یعنی قدرت دولتی نیز محسوب می‌شود. به این اعتبار نیرویی که پاندول عدم تعادل اجتماعی در ایران را به حرکت درمی‌آورد کماکان تداوم دارد. به نظر می‌رسد که تنها بارقه‌ی امید برای پدیدار شدن راهی میانه در این تنازع، روشنفکری دینی باشد، البته به این شرط

(ص ۸). پس ظاهراً هر گاه ایرانی‌ها حس کنند که یکی از دو وجه وجودی‌شان در حال زایل شدن است، ترجیح می‌دهند با فنا کردن تن، بودن ایران را تضمین کنند.

تاریخ ایران نمونه حرکتی یک سوبه را که در یکی از دو وجه وجودی ایرانیان عمل کرده‌اند بسیار به خود دیده است. به گمان وی رضا شاه موفق شد ایران را از نابودی کامل برهاند، ولی در حین انجام این کار ارزش‌های اساسی هویت شیعی - ایرانی را زیر پا گذاشت» (ص ۱۸۸)، «... و انتظار ایرانی حکومت عدل را نقض کرد» (ص. ۱۹۱). همچنین «آخرین شاه ایران ورای شیفتگی به فرهنگ عامه و تکنولوژی غرب، می‌کوشید به دیدگاه شخصی‌اش از ایران با دفع آن بخش از هویت ایرانی که ریشه در تشیع دارد نائل شود» (ص. ۱۴).

۴. اندر خم همان یک کوچه

حال زمان آن است که تمثیل حرکت پاندولی را که از تاریخ‌نگاری آبراهامیان برگرفته‌ام در کنار

سوی دیالوگ مبتنی بر احترام متقابل پیش ببرد. آنچه در بند پیشین گفته شد، به تقابل اندیشه‌ها در سطح نخبگان راجع است. اما حرکت پاندولی ناشی از این تقابل از طریقی دیگر در میان توده ایرانیان باز تولید می‌شود. آرمان‌های ایرانی و اسلامی همواره از طریق انواع مراسم و مناسک در ذهن ایرانیان باز تولید می‌شود. به قول مک کی نوروز دست کم ۲۵ قرن تاخت و تاز و سلطه خارجی را از سر گذرانده است، اما هنوز زنده است و واقعه‌ی عاشورا و خاطره‌ی شهادت تک‌تک امامان شیعه از پس ۱۴۰۰ سال تاریخ هنوز اشک بر چهره ایرانیان می‌نشانند. و از این دست در اردوگاه هر دو نوع هویت ایرانی بسیار است. در این میان آرمان عدالت کماکان برجاست. ایرانیان از میان صدها شاه باستانی خویش فقط «نوشیروان عادل» را به یاد دارند و عدالت علی، شاه بیت داستان‌هایی است که برای کودکان‌شان بازگو می‌کنند؛ علی و عقیل، علی و شمع بیت‌المال. اما هم‌چنان که امروز همه از اعداد و ارقام بانک مرکزی جمهوری اسلامی گرفته تا مردم عادی‌ای که هر روز در تاکسی، محل کار و خانه‌هاشان داستان اختلاف طبقاتی را در ناخودآگاه یکدیگر و کودکان نسل فردا نهادینه می‌کنند - معترفانند عدالت کماکان خرمای برنخیل مانده است.

درست است که امروز مقوله‌ی عدالت اجتماعی شاید اصلی‌ترین دغدغه‌ی ایرانیان باشد، آن هم عدالتی که به قول مک‌کی در بند حفظ نظم و تعادل برای بروز خوبی و مهربانی است تا حفظ آزادی‌های فردی. اما بازی هویت‌ها نیز ناخودآگاه ایرانی را در تلاطم نگه می‌دارد. به نظر می‌رسد که آینده‌ی بازی هویت در ایران و این که حکومت‌ها روال قدیمی تکیه بر

یکی و تضعیف کردن هویت دیگر را در پیش بگیرند یا خیر، به دو مسأله ربط داشته باشد. اول میزان پیشرفت روشنفکری دینی در ایجاد تفاهم میان نخبگان درباره‌ی شیوه اداره‌ی جامعه و دیگر اقتصاد سیاسی نفت. اگر نخبگان کماکان منازعه کنند و هر یکی از جانب یکی از هویت‌ها تشخص یابد و هویت‌ها به ایدئولوژی سیاسی تبدیل شوند، بازی هویت ادامه خواهد یافت. ولی این بار مسأله اندکی تفاوت می‌کند. ایران امروز در معرض طوفانی از جهانی شدن است که هم در وجه نرم‌افزاری - اندیشه - و هم در وجه سخت‌افزاری - اقتصاد، قدرت نظامی، سیاست خارجی - توان آن را دارد که در صورت غفلت حریف، آن را زمین‌گیر کند. غرب به عنوان هویت سوم، در خانه‌ها مان حضور دارد: اینترنت، سینمای هالیوود، آن‌چه در دانشگاه می‌خوانیم، لباس‌های مان، مصرف، ... این بار رقیبی جدی برای هر دو نوع هویت پیدا شده است، رقیبی که اگر چه دیری است بر کلون در می‌کوبد، اما این بار با تکنولوژی دیجیتال آمده است و این خلق ایرانی است که بر کلون آن می‌کوبد و اذن دخول می‌طلبد. حریف پشت مرزهای ما نیز اردو زده است. خلیج فارس، مرز افغانستان، عراق، و ریزه‌سایه‌های شمالی را می‌گوییم. شاید اگر بازی هویت‌های دوگانه تاریخی بی‌سرانجام بماند، سومی بخت یارتر شود.

با این اوضاع و احوال، ما اندر خم همان یک کوچه باقی خواهیم ماند. دنبال شاخصی می‌گشتم که نشان دهم چگونه این اتفاق رخ می‌دهد که دیدم عجیب خوش اقبال بوده‌ام که اکنون چنین مطلبی را می‌نویسم. اخبار دومین دوره‌ی انتخابات شورای شهر تهران و البته بقیه‌ی شهرها و حضور بسیار

کم‌رنگ مردم در آن بهترین شاهد این مدعا است. عجیب این که از میان نهادهای دموکراتیک شاید هیچ چیز بیش از شورای شهر با مقوله‌ی عدالت مرتبط نباشد. نهادهی که مستقیماً به تدبیر زندگی اجتماعی در شهر ارتباط دارد. آیا ایرانیان از بروز عدالت ناامید شده‌اند؟ آیا دموکراسی بی‌رونق شده است؟ آیا تاریخ باز هم تکرار شده است؟ مک کی درباره‌ی انقراض سلسله ساسانی و دلایل آن می‌نویسد: «... ملاراه این نهال تفاهم میان شاه و اتباعش که هخامنشی‌ها بارور کردند و پارت‌ها به دفاع از آن پرداختند در عهد ساسانی پُرمرد» (ص. ۴۳). و همان شد که بر سر ساسانیان آمد. آیا باز هم نهال ملاراه پُرمرد است؟ در فاصله‌ی چهار یا شش سال چه اتفاقی افتاده است؟ از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و آن شور ایرانی؛ انتخابات شوراهای در سال ۱۳۷۷ و آن همه جنجال چه چیزی مانده است؟ آیا ماییم و همان کوچه؟

باز هم یاد هم‌رسلی و انکینسون می‌افتم که مردم‌نگاری بیش از آن که پاسخی دهد، عطش سؤال می‌افروزد. از این که همه‌ی ایرانیان، لاقل گروهی از جنس خودم با من در این سوالات شریک‌اند، اندک اطمینان قلبی پیدا می‌کنم.

۵- یادداشت آخر

در میان ملتی که «مذهب مراقب روح ملت» باشد و «وعده عدالت نهایی» (ص. ۲۸۲) آرزوی ناخودآگاه جمعی، انگیزه‌ی همیشگی برای تغییر اجتماعی حاضر است. شاید روزی برسد که هر یک از ابعاد هویت انسان ایرانی ترکیبی متعادل را رقم زنند، و تا آن روز امید عدالت و جستجوی تعادل، تاریخ ایران را به حرکت وا می‌دارند و از نشیب و فراز آن گریزی نیست.

منابع:

فاضلی، محمد. «هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم». کتاب ماه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره یکم، آبان ۱۳۷۸، صص. ۸-۳. مک کی، ساتنرا. ایرانی‌ها: ایران، اسلام و روح یک ملت. ترجمه شیوا رویگریان. نشر ققنوس، ۱۳۸۰.

Fischer, Michael. Iran: From Religious Dispute to Revolution. Harvard University Press. 1980.

Fischer, Michael & Abedi, Mehdi. Debating Muslims: Cultural Dialogues between Tradition and Postmodernity. University of Wisconsin Press. 1990.

Hammersley, Martin & Atkinson, Paul. Ethnography: Principles in Practice. Routledge. 1997.

